

گیان در عصر آهن

فاطمه کیانی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

اشاره

خواننده‌ی محترم، ای بسا تعجب کنید که مقاله‌ی پیش روی شما چندمین مقاله در مورد تپه‌ی باستانی گیان است که فصل‌نامه‌ی فرهنگیان مبادرت به درج آن می‌نماید. بعضی عزیزانی که فقط فهرست مطالب را ملاحظه می‌کنند اولین نکته‌ای که ممکن است به ذهنشان متبادر شود این باشد که دیگر موضوع تپه‌ی گیان تکراری و ملال‌آور شده است. لیکن تپه‌ی گیان واقعاً آن چنان ظرفیت و ابعاد نهفته و ناگفته در دل دارد که آن چه تا به حال درباره‌ی آن گفته و شنیده‌ایم اندکی از بسیار است.

این بار مقاله‌ای تحت عنوان «گیان در عصر آهن» توسط سرکار خانم فاطمه کیانی به رشته‌ی تحریر درآمده است که پس از مطالعه تصدیق خواهید کرد که تحقیق و پژوهشی تازه است و این نشان می‌دهد که در دل تاریخ هفت هزار ساله‌ی این میراث کهن بشری ناشناخته‌ها بسیار است به طوری که انسان‌های مشتاق و محقق و پژوهشگر و متخصص، هر بار که از زاویه‌ای جدید به آن می‌نگرند ابعاد تازه‌تری از آن را پیش روی علاقه‌مندان می‌گشایند.

برای این پژوهشگر جوان آرزوی موفقیت‌های بیشتر داریم و نیز چشم

به راه مقالات تحقیقی و پژوهشی دیگر از سوی ایشان و سایر محققان
ارجمند هستیم.

فاطمه کیانی متولد خرم‌آباد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در گیان
گذرانده و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان امید نهاوند سپری کرده است.
در سال ۱۳۷۷ در رشته‌ی باستان‌شناسی دانشگاه تهران قبول شده و
کارشناسی ارشد را از دانشگاه آزاد واحد تهران اخذ نموده است. یک سال
در طرح اماکن مذهبی تهران با مدیریت آقای دکتر حسن حبیبی همکاری و
در کارگروهی و تألیف کتاب امامزاده‌ها و تربت برخی از پاکان مشارکت
داشته است.

همچنین مؤلف کتابی تحت عنوان «کاشی‌کاری ایران» و مقاله‌ای با
عنوان «درآمدی بر هنر کاشی‌کاری ایران» (چاپ شده در کتاب ماه به
شماره‌ی ۱۵۳) و چند کار پژوهشی است که امیدواریم بزودی به زیور طبع
آراسته شود.

«فرهنگان»

چکیده

متن این مقاله در بردارنده‌ی اطلاعاتی مختصر از موقعیت تپه‌ی گیان، تاریخچه‌ی
حفاری، شیوه‌ی حفاری، اسامی باستان‌شناسانی که در تپه‌ی گیان کاوش و بررسی
داشته‌اند، آسیب‌های وارد آمده به تپه، تخریب و نابودی آثار عصر آهن گیان،
شاخصه‌های عصر آهن، بررسی آثار مکشوفه از عصر آهن گیان و پیشنهادهایی
جهت حراست و مطالعه‌ی بهتر تپه‌ی گیان است.

کلید واژه‌ها: تپه‌ی گیان، عصر آهن، کاوش

مقدمه

در دوردست‌های تاریخ حضور جوامع بشری در فلات ایران، دشت گیان در تأمین احتیاجات اولیه‌ی برخی از این جوامع نقش مهم و مؤثری داشته است. جوامع ساکن در فلات ایران پس از طی دوره‌ی جمع‌آوری و شکار حیوانات (دوره‌ی پارینه سنگی) توانسته بودند طیفی از گیاهان و حیوانات را اهلی کنند و در نهایت در روستاهای دائمی ساکن شوند. این دوران که دوران نوسنگی نامیده شده سر آغاز و زیربنای بسیاری از پیشرفت‌های ساکنین فلات ایران است. بعد از دوران نوسنگی که آخرین دوره‌ی سنگ (عصر حجر) است عصر فلز آغاز می‌شود. عصر فلز نیز به سه زیر دوره‌ی مس، مفرغ و آهن تقسیم می‌شود.

طبق نتایج حاصله از بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده قدیمی‌ترین آثار مکشوفه در تپه‌ی گیان متعلق به دوران نوسنگی و جدیدترین آن متعلق به آخرین دوره‌ی فلز یعنی عصر آهن است. آثار و بقایای عصر آهن در بررسی‌ها و کاوش‌های هیئت فرانسوی در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی از تپه‌ی گیان کشف و به موزه‌های اروپا حمل شده است. در نتیجه‌ی کاوش‌های این هیئت، پنج طبقه‌ی استقرار از تپه گیان مشخص شد و طبقات فوقانی آن، که شامل گیان ۱ و ۲ است، به عصر آهن (اواسط هزاره‌ی دوم تا اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد) منسوب گردید.

زمانی که هیئت فرانسوی به سرپرستی رومن گیرشمن در تپه‌ی گیان کار بررسی و کاوش را آغاز می‌کردند رأس تپه‌ی گیان از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر و وسعت آن ۳۵۰×۱۵۰ متر بود. اما امروزه به دلیل آسیب‌های وارد آمده به تپه از غنا و وسعت تپه‌ی گیان به شدت کاسته شده و موجودیت آثار و بقایای تمدن‌ها و ادوار فرهنگی گذشته در گیان در معرض نابودی قرار گرفته است.

موضوعی که در خصوص تپه‌ی گیان بیش از همه باعث تأسف و نگرانی باستان‌شناسان و پژوهشگران است تخریب و نابودی طبقات فوقانی (طبقه‌ی ۱ و ۲) این تپه است. زیرا طبق نتایج به دست آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های یک دهه‌ی اخیر هیچ اثری از عصر آهن گیان مشاهده نشده است.

این مقاله در بردارنده‌ی اطلاعات مختصری از پیامدهای تخریب و عصر آهن گیان است و در تدوین آن همواره سعی بر آن بوده که از آوردن اطلاعات ناقص، کلیشه‌ای و غرض‌آلود خودداری شود. جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات راجع به عصر آهن در گیان به دلیل کمبود منابع مناسب بسیار دشوار بود ولی بر حسب وظیفه و تا جایی که امکانات و زمان اجازه می‌داد تلاش شد حضور این دوران مهم و سرنوشت‌ساز در تپه‌ی گیان بررسی شود و اطلاعات لازم را در اختیار خوانندگان محترم قرار دهیم، امید است مقبول نظر افتد.

تپه‌ی گیان

«زاگرس مرکزی یا میانی» و به عبارت دیگر «غرب مرکزی»، استان‌های لرستان، ایلام و بخش‌هایی از همدان و کرمانشاه را شامل می‌شود. تپه‌ی گیان در شمال غرب شهر گیان، جنوب غرب شهرستان نهاوند و شمال شرق استان لرستان واقع شده است. گیان در گذشته یکی از مناطق لرستان محسوب می‌شده است. با توجه به آب و هوای کوهستانی و زمستان‌های سرد و سخت دشت گیان، به نظر می‌رسد که این منطقه یکی از سکونتگاه‌های بیلاقی زاگرس نشینان بوده و به احتمال قوی لرستان و نواحی جنوب غرب آن، که هوای گرم‌تری دارند، سکونتگاه قشلاقی آنان بوده باشد. هنوز هم هستند مردمی از گیان که جهت کشت صیفی‌جات و جالیزکاری (حرفه‌ای که از نیاکان خود به ارث برده‌اند) در فصول سرد سال به مناطق گرمسیری مذکور مهاجرت می‌کنند.

از نظر لهجه و زبان و فرهنگ، تشابهات بین مردم خرم آباد و گیان فراوان است زیرا اکثر ساکنین فعلی گیان و حومه‌ی آن لرستانی‌هایی هستند که طی چند قرن اخیر به دلایل مختلف از لرستان به این منطقه مهاجرت کرده‌اند.

ارتباطات فرهنگی و مسالمت‌آمیز بین اقوام ساکن در لرستان و گیان به گذشته‌های بسیار دور، حتی شاید بتوان گفت به دوران پیش از تاریخ، برمی‌گردد. گواه این مطلب هم وجود تشابهاتی فرهنگی است که بین آثار و اشیای مکشوفه از برخی محوطه‌های باستانی لرستان و تپه‌ی گیان دیده شده است.

قبل از ورود اروپائیان به گیان برای کاوش، قسمت‌های عمده‌ای از تپه‌ی گیان توسط بومیان جهت تهیه‌ی خشت و تقویت زمین‌های زراعی (به خصوص برای کشت خربزه) تخریب شده بود. طبق گفته‌ی اهالی وسعت تپه‌ی گیان در گذشته بسیار زیاد بوده و به حدود امامزاده‌ی فعلی گیان می‌رسیده است. احتمالاً در گذشته‌های دورتر این وسعت بیش از این هم بوده است. همچنین به گفته‌ی برخی از اهالی، در گذشته‌ای نه چندان دور، عده‌ای برای ساختن منزل قسمت‌هایی از تپه را که مسطح‌تر بوده تخریب و ساختمان کرده‌اند.

در هر صورت چون تا قبل از قرن بیستم میلادی هیچ مدرک مستندی از تپه‌ی گیان نداریم نمی‌توانیم زودتر از این تاریخ به نقل قول‌ها استناد کنیم. اطلاعات متن حاضر نیز بر گرفته از نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در تپه‌ی گیان طی یکصد سال اخیر است.

حفاری در تپه‌ی گیان

در پائیز سال ۱۹۳۱ تا اوایل سال ۱۹۳۲ میلادی (۱۳۱۰ شمسی) جورج کتو و رومن گیرشمن (G. Contenau & R. Ghirhman) از طرف دولت فرانسه به طور مشترک سرپرستی

دو فصل حفاری در تپه‌ی گیان را بر عهده گرفتند و گزارش کاوش‌های خود را در سال ۱۹۳۵ میلادی (۱۳۱۴ شمسی) به زبان فرانسه چاپ و منتشر کردند. همچنین در سال ۱۹۳۳ میلادی (۱۳۱۲ شمسی) مجدداً این تپه توسط هرتسفلد (E. Hertzfeld) مورد کاوش قرار گرفت.

در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۲ شمسی مهرداد ملکزاده به منظور بازننگری کاوش‌های تپه‌ی گیان و بررسی وضعیت گیان در دوره‌ی گذر از عصر مفرغ به آهن طی دو فصل در این تپه به کاوش پرداختند.

شیوه‌ی کاوش در تپه‌ی گیان توسط باستان‌شناسان خارجی در نیمه‌ی اول قرن بیستم با شیوه‌ی کاوش باستان‌شناسان داخلی در یک دهه‌ی اخیر کاملاً متفاوت بوده است. شیوه‌ی که باستان‌شناسان خارجی برای حفاری تپه‌ی گیان به کار گرفتند به روش معمول آن زمان، ابتدایی و به صورت گزینشی و متری بوده که مبتنی بر سلیقه و مقدار تجربه‌ی میدانی باستان‌شناس است.

به بیان دیگر کاوش سلیقه‌ای روشی است که با آن مکان، بدون در نظر گرفتن توزیع، ترتیب و شکل لایه‌های باستانی، کاوش می‌شود. از ویژگی‌های عمده در این روش، خاک‌برداری با ضخامت اختیاری مانند ۳۰ تا ۲۰ سانتی‌متر (حتی گاه بیشتر از یک متر) بوده است که در آن لایه‌های باستانی مانند لایه‌های مرتب و منظم کیک از یکدیگر جدا می‌شدند. روشن است که در چنین روشی نه تنها چندین لایه با تاریخ و مواد گوناگون آمیخته می‌شوند بلکه عناصر نفوذی در این لایه‌ها، که همیشه جدیدتر از آن‌ها هستند نیز، با مواد این لایه‌ها آمیخته می‌شوند و هر گونه استفاده‌ی گاه‌نگاری و بازسازی فرهنگی را بی‌اعتبار می‌سازد (علیزاده، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴).

طی یک قرن گذشته به سبب افزایش فعالیت‌های باستان‌شناسی، علم باستان‌شناسی

هم‌سنگ سایر علوم پیشرفت کرده است. در نتیجه روش‌های حفاری پیوسته اصلاح می‌شوند و روش‌هایی که برای تاریخ‌گذاری، مطالعه‌ی بقایای گیاهی و حیوانی و حفاظت اشیاء و بناها مورد استفاده قرار می‌گیرند بسیار علمی و دقیق و مطمئن‌تر از گذشته شده‌اند. از جمله روش‌های علمی مورد استفاده روش تاریخ‌گذاری با محاسبه‌ی رادیو کربن (کربن ۱۴) در نمونه‌های آلی و روش نور افشانی ناشی از دما برای تعیین قدمت سفال پخته و روش نوین لایه‌نگاری است.

زمانی که اروپائیان در تپه‌ی گیان بررسی و کاوش می‌کردند هنوز شیوه‌های نوین و پیشرفته‌ی کاوش‌های باستان‌شناسی به شکل امروزی ابداع نشده بود. به همین جهت گزارش و نتایج کاوش‌های نخستین تپه‌ی گیان با اشکالات و ابهاماتی مواجه است که نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.

یکی از شیوه‌های علمی مورد استفاده در کاوش‌های باستان‌شناسی روش نوین لایه‌نگاری است. مهرداد ملکزاده در دو فصل کاوش تپه‌ی گیان از این روش استفاده کرد. در لایه‌نگاری نوین لایه‌های یک مکان باستانی به صورت برگردان انباشت آن‌ها با پیگیری فراز و نشیب و گستره‌ی طبیعی یا مصنوعی لایه‌ها کاوش می‌شوند، هر چند نظم و ترتیب از رکن‌های اصلی روش کاوش لایه‌نگارانه است. آنچه مهم است کاوش روشمند لایه‌های باستانی با توجه به روند انباشت آن‌هاست، زیرا کاوش نمونه‌برداری وارونه از گذشته‌ی مکان‌های باستانی است که درک و فهم آن بستگی مستقیم به بازسازی زمانی و مکانی این نمونه‌ها دارد که بدون رعایت اصول لایه‌نگاری، کاوش نه علمی است و نه نماینده‌ی انباشت (همان).

با وجود روشمند بودن شیوه‌ی کاوش ملکزاده و استفاده از لایه‌نگاری نوین در این دو فصل کاوش، تلاش هیئت تحت سرپرستی ایشان (که نگارنده نیز در آن

حضور داشت) برای دسترسی به مواد فرهنگی مربوط و منسوب به عصر آهن متأسفانه نافرجام ماند، زیرا:

اولاً طبق برنامه‌ی از پیش تعیین شده می‌بایست کار کاوش حداقل در پنج فصل و تا حصول به نتیجه‌ی قطعی و رسیدن به خاک بکر ادامه می‌یافت اما به دلیل برخی مشکلات اداری و مالی کار پروژه‌ی بازنگری ملکزاده بعد از انجام دو فصل کاوش در تپه‌ی گیان متوقف شد.

ثانیاً با توجه به وضعیت فعلی تپه‌ی گیان نسبت به گذشته‌ی آن، به نظر می‌رسد علت اصلی ناکامی این هیئت در دسترسی به آثار عصر آهن، فقر تپه‌ی گیان است. زیرا به دلیل حفاظت و حراست نامناسب تپه‌ی گیان توسط رژیم بی‌کفایت گذشته و ناآگاهی مردم و سپس حفاری‌های غیر علمی بیگانگان با هدف دسترسی سریع‌تر به اشیای موزه‌پسند و... از غنا و وسعت تپه‌ی گیان به شدت کاسته شده و طبقات فوقانی آن، که مربوط و منسوب به عصر آهن بوده، تخریب و به احتمال قوی آثار و بقایای عصر آهن گیان نابود شده و به احتمال ضعیف با آثار و اشیای طبقات پایین‌تر و قدیمی‌تر در آمیخته است.

البته تا تکمیل پروژه‌ی بازنگری و حصول به نتایج علمی، در مورد بودن یا نبودن آثار و بقایای عصر آهن در گیان، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد.

طبقه‌ی اول و دوم تپه‌ی گیان

در نتیجه‌ی کاوش‌های تپه‌ی گیان توسط اروپائیان مجموعاً پنج دوره‌ی فرهنگی و ۱۲۲ قبر مشخص گردید که هر یک از آن‌ها را از بالا به پایین با اعداد رومی نشان داده‌اند (گیان ۷، گیان IV، گیان III، گیان II، گیان I).

طبقه‌ی پنج گیان به نوبه‌ی خود به چهار زیر طبقه تقسیم شده که از قدیم به جدید با حروف الفبای لاتین (a,b,c,d) نام‌گذاری شده است (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱).

طبقه‌ی پنج تحتانی‌ترین و قدیمی‌ترین طبقه در تپه‌ی گیان است. سفال‌های مکشوفه از طبقه‌ی ۵a آن شباهت بسیاری با سفال‌های طبقه‌ی ۱ سیلک (۵۸۰۰ - ۵۵۰۰ ق.م) دارد.

طبقه‌ی ۱ گیان که از عمق ۴ متری تا زیر سطح تپه و طبقه‌ی ۲ گیان که از عمق ۵/۵ متر تا ۴ متر از زیر سطح تپه قرار گرفته‌اند در بردارنده‌ی آثار جدیدترین دوره‌ی فلز و مربوط به عصر آهن ۱ و ۲ و نزدیک به عصر آهن ۳ هستند.

قبل از پرداختن به آثار و اشیای مکشوفه از طبقات ۱ و ۲ تپه‌ی گیان لازم به نظر می‌رسد شرح مختصری از عصر آهن ارائه دهیم، زیرا بدون آشنایی با این دوره‌ی فرهنگی نمی‌توان درک صحیحی از طبقات ۱ و ۲ گیان داشت.

به راستی نمی‌توان زمان دقیقی برای کشف و استفاده‌ی انسان از آهن مشخص کرد. ولی با توجه به کشف آثار و اشیای آهنی که جنبه‌ی زینتی داشته‌اند و به نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم ق.م مربوط اند، شاید بتوان گفت که در این زمان به طور اتفاقی آهن خالص کشف و استفاده‌ی محدود از آن آغاز شده است و در طی هزاره‌ی بعدی انسان توانست با سنگ‌های معدنی آهن که به صورت ترکیبی در طبیعت وجود دارد آشنا گردد و با پیشرفت در زمینه‌ی ذوب و ایجاد انرژی حرارتی معادل ۱۵۳۶ درجه، به تصفیه‌ی آهن و ساخت اشیای آهنی از طریق ریخته‌گری موفق شود. این مرحله از دوران گذشته‌ی بشر که بعد از عصر مفرغ و از حدود ۱۵۰۰ ق.م. آغاز می‌شود و آخرین دوره‌ی عصر فلز است در تاریخ تکنولوژی بشر به عصر آهن

معروف گردیده است. تقسیم‌بندی داخلی این دوران طولانی عبارت است از عصر آهن ۱- (۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق.م.) عصر آهن ۲- (۱۲۰۰-۸۰۰ ق.م.) و عصر آهن ۳- (۸۰۰-۵۵۰ ق.م.) (طلایی، ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول قبل میلاد ص ۵۵).

با شروع عصر آهن، جامعه‌ی بشری از نظر فرهنگ مادی و معنوی با تغییر و تحولات بسیاری مواجه شد. با به کارگیری ابزارهای جدید آهنی، از جمله گاوآهن و خیش‌هایی با تیغه‌ی آهنی، زمین‌های کشاورزی گسترش پیدا کرد و در نتیجه میزان تنوع و تولید محصولات کشاورزی بیشتر شد. در این دوره بسیاری از صنعتگران صنایع مهم از جمله صنعت ذوب فلزات و سفالگری پیشرفت‌های چشم‌گیری حاصل کردند. سفالگران هنرمند این عصر تا به آن حد ترقی کردند که توانستند نوعی از سفال را به نام سفال خاکستری، که از ابداعات عصر مفرغ بود، به کیفیتی عالی و به تولید انبوه برسانند و همین سفال خاکستری مرغوب، که ساخت آن مهارت زیادی لازم داشت، توانست یکی از شاخصه‌های فرهنگی عصر آهن شود.

یکی از تحولات مهم دیگر در این عصر تدفین در قبرستان است. تا قبل از عصر آهن تدفین در کف خانه‌های مسکونی انجام می‌شد. با شروع عصر آهن این شیوه از تدفین متروک گردید و به تدریج استفاده از قبرستان رواج پیدا کرد. استفاده از قبرستان در نیمه‌ی غربی فلات ایران، به خصوص در برخی از مناطق همچون زاگرس مرکزی، بیش از دیگر نقاط ایران بوده است.

لویی واندنبرگ (۱۹۶۶م)، با توجه به مطالعه و بررسی‌هایی که در زاگرس مرکزی و قبرستان‌های دوره‌های مختلف لرستان داشته و بر اساس تجزیه و تحلیل آثار و اشیایی که از این محوطه‌ها به دست آورده است، مشخصاتی را برای عصر آهن ذکر

می‌کند و این دوره را از دوره‌های ما قبل و ما بعد خود متمایز می‌سازد. این مشخصات عبارت‌اند از:

- ۱- در دوره‌ی آهن مرده‌ها را در کف خانه‌های مسکونی دفن نمی‌کردند؛
- ۲- در این دوره قبرستان‌هایی در خارج از محدوده‌ی محل‌های استقراری به وجود آمد؛
- ۳- در ساخت قبرها غالباً از سنگ استفاده می‌شد؛
- ۴- قسمت عمده‌ای از اشیای داخل قبرها را ظروف سفالی تشکیل می‌داده که ظروف لوله‌دار از شکل‌های مهم این ظروف است؛
- ۵- اشیای داخل قبرها بیشتر از برنز ساخته شده است؛
- ۶- در این دوره ساختن مجسمه‌ی حیوانات از سفال عمومیت داشته است (همو، ص ۵۷).

اغلب مشخصات ذکر شده در کاوش‌های طبقات فوقانی تپه‌ی گیان نیز مشاهده شده است، که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

در فلات ایران در روستاهای ابتدایی (حدود ۸۰۰۰ ق.م.)، تحت تأثیر باورهای جوامع آن روزگار، مردگان خود را در کف خانه‌های مسکونی دفن می‌کردند. در عصر آهن دفن در زیر کف خانه‌های مسکونی به تدریج متروک گردید و دفن مردگان در قبرستان‌ها، که عموماً در خارج از محل‌های مسکونی زیستی و فعالیت‌های تولیدی قرار داشت، معمول شد.

در گیان عصر آهن نیز همچون دیگر نقاط فلات ایران، مردگان را در قبرستان دفن می‌کردند. دلیل این ادعا هم کشف محوطه‌ی وسیعی تحت عنوان قبرستان در طبقات فوقانی و قسمت مرکزی تپه‌ی گیان است. تعداد ۵۲ قبر از قبور حفاری شده در

این قبرستان به اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد مربوط می‌شود. قبرهای کشف شده از عصر آهن تپه‌ی گیان بیشتر از نوع قبرهای بیضی شکل و ساده (چاله‌ای) هستند. البته از داخل خمره‌ها اسکلت کودکان نیز یافت شده است. بیشترین اطلاعات ما درباره‌ی گیان ۱ و ۲ از توصیف و تحلیل اشیا و سفال‌های مکشوفه‌ی از قبرهاست. قبور طبقه‌ی ۲ گیان به سه گروه (۲a، ۲b، ۲c) تقسیم می‌شود. قدیمی‌ترین اشیا و سفال‌های ۲a گیان دارای تاریخ تقریبی ۱۵۰۰ ق.م. و تاریخ تقریبی جدیدترین لایه، یعنی ۲c، ۱۱۰۰ ق.م. است. بر اساس بررسی‌ها و مطالعات انجام شده می‌توان گفت که سفال‌های عصر آهن ۲ گیان (طبقه‌ی ۱ گیان) ادامه‌ی سفال‌های خاکستری عصر آهن ۱ (طبقه‌ی ۲ گیان) است.

عصر آهن ۳ و ۲	طبقه‌ی ۱ گیان
عصر آهن ۱	طبقه‌ی ۲ گیان

در طبقه‌ی ۱ گیان ظروف سفالی لوله‌دار، که یکی از شاخص‌ترین ظروف عصر آهن محسوب می‌شود، مشاهده شده است. همچنین نوع فلزی آن از این دوره‌ی تپه‌ی گیان به صورت ساده و تزیینی به دست آمده است. ساخت ظروف لوله‌دار، قبل از عصر آهن نیز، در میان سفالگران ایرانی رایج بوده اما این شیوه جنبه‌ی کاربردی صرف داشته است. برعکس در عصر آهن برای دو منظور، کاربردی و تزیینی، ساخته می‌شده است.

از قبرستان عصر آهن تپه‌ی گیان ظروف فراوانی از جنس برنز، اشیای تزیینی مفرغی و از گیان ۲ سنجاق‌های ته‌گرد مفرغی (۱۵۰۰-۱۴۰۰ ق.م) کشف شده است. همچنین مجسمه‌های کوچک و گلی حیوانات و انسان نیز از این دوره گیان یافت شده است.

غیر از اشیای مذکور اشیای متنوع دیگری از قبیل وسایل و ادوات جنگی، زیورآلات فلزی، ظروف سفالی و هر دو نوع مهرهای سنگی مسطح و استوانه‌ای، از قبرهای عصر آهن گیان یافت شده است. تنوع آثار در لایه‌های بالاتر تپه‌ی گیان بیشتر از لایه‌های زیرین است.

در لایه‌های طبقه‌ی ۱ گیان همراه با قبور، ساختمان با شکوهی به دست آمده که دارای حفره‌های پایه‌ای در به سبک آشوری در قرن ۸ قبل از میلاد است (ایراندوست، ۱۳۷۹). احتمالاً این ساختمان یک نیایشگاه آرامگاهی از عصر آهن میانی است. آثار معماری عصر آهن گیان قابل قیاس با آثار معماری سرخ دم لکی در لرستان است.

برای نخستین بار از طبقه‌ی اول تپه‌ی گیان ظروف خاکستری و سیاه با نقوش تزئینی کنده و فشرده به شکل جام و ساغر و شیشه سفال‌های قفقاز، گورستان الف سیلک، حسنلو، خوروین، گودین و تپه‌ی بدهوره‌ی اسدآباد به دست آمده است.

سفال‌های ساده‌ی خاکستری عمده‌ترین نوع سفالی است که در این دوره، مردم ساکن بیشتر مناطق غربی فلات ایران از آن استفاده می‌کردند. برای مثال از کل سفال‌های به دست آمده در تپه‌ی سیلک (a) ۸۲ درصد، خوروین ۸۰ درصد، حسنلو ۴۰ درصد و تپه‌ی گیان ۲۳ درصد خاکستری است (طلایی، ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول قبل میلاد، ص ۱۲۲).

سفال خاکستری عصر آهنی در کوره‌های بسته پخته می‌شده‌اند. در کوره‌های بسته، اکسیداسیون در شرایط نبودن تعادل بین کربن و اکسیژن صورت می‌گیرد و این امر به ایجاد رنگ خاکستری و سیاه در سفال می‌انجامد. سفال‌های خاکستری و سیاه نسبت به سفال‌های نخودی و قرمز محکم‌ترند. رواج و مرغوبیت این سفال و افزایش بی‌سابقه از آن را می‌توان نشان‌دهنده‌ی پیشرفت حرفه‌ی سفالگری و رسیدن آن به مرحله‌ی صنعتی در عصر آهن دانست.

ظهور این نوع سفال را کم و بیش در هزاره‌ی سوم ق.م. (عصر مفرغ) می‌دانند و آن را به اقوام مهاجر یا مهاجم آریایی نسبت می‌دهند که در تغییر و تحولات استقرارهای فلات ایران مؤثر واقع شده‌اند.

سنت سفال خاکستری در مناطق غربی ایران به طور ناگهانی به وجود آمد و رواج یافت، که به اعتباری این تغییرات فرهنگی را می‌توان با توجه به مهاجرت ایرانیان (آریایی‌ها) به فلات ایران، فرهنگ منحصر به فرد ایرانی تلقی نمود.

بنابراین می‌توان این احتمال را داد که اقوام ساکن در گیان عصر آهن اقوام مهاجر یا مهاجم یا همان ساکنین قدیمی گیان بوده‌اند که تحت تأثیر ارتباط با اقوام مهاجر یا مهاجم و با اثرپذیری از پویایی و پیشرفت جامعه‌ی زمان خود، از سفال خاکستری و دیگر نوآوری‌های فرهنگی عصر آهن بهره‌مند شده‌اند.

ارزیابی اطلاعات تپه‌ی گیان توسط پژوهشگران مختلف با ابزار و روش‌های متفاوت انجام شده و در نتیجه‌ی این ارزیابی‌ها نظرات متفاوتی ارائه گردیده که چندان قابل اعتماد نیست. از جمله گیرشمن طبقه‌ی اول گیان را، که شامل قبرهای ۱ تا ۶۳ است، بین سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۱۰۰ قبل از میلاد تاریخ‌گذاری کرده است. ولی یانگ این طبقه را متعلق به ۱۲۵۰[±] ۱۲۰۰ قبل از میلاد می‌داند.

یادآوری این نکته لازم است که در زمره‌ی سفال‌های به دست آمده از طبقه‌ی ۱ تپه‌ی گیان سفال‌های منقوش سبک لرستان نیز مشاهده شده است. دایسون این سفال‌ها را بین سال‌های ۷۰۰ - ۶۰۰ ق.م. و یانگ بین سال‌های ۸۵۰ - ۸۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری کرده است (همو، ص ۶۷).

نتیجه

از مطالعه و بررسی آثار و اشیای مکشوفه از طبقات ۱ و ۲ تپه گیان به وضوح می‌توان دریافت که در اواسط هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد در این قسمت از زاگرس میانی مردمانی با تمدن‌های پیشرفته از نوع عصر آهن حضور داشته‌اند. اما امروزه با توجه به بررسی‌های انجام شده درمی‌یابیم که به دلیل تخریب‌های شدید در یکصد سال اخیر، نه تنها آثار عصر آهن بلکه آثار فرهنگی دوره‌های قدیمی‌تر از آن نیز دست‌خوش نابودی شده است.

نکته‌ی قابل توجه در مورد نتایج کاوش‌های نخستین تپه‌ی گیان این است که اطلاعات مربوط به این تپه با شیوه‌های ساده و ابتدایی توسط پژوهشگران مختلف با نظرات متفاوت ارزیابی شده است. به همین جهت نتایج حاصل شده از لایه‌نگاری گیان چندان قابل اطمینان نیست و همین امر می‌رساند که تکمیل پروژه‌ی بازننگری در تپه‌ی گیان لازم است.

البته نباید از نظر دور داشت که تحت تأثیر عوامل مختلف در گذشته، تپه‌ی گیان آسیب فراوانی دیده و با غارت اشیای آن توسط بیگانگان از غنای آن کاسته شده است. لذا اجرای هر نوع پروژه، ولو در صورت ضرورت و کوتاه‌مدت، باید با احتیاط و طبق آخرین متدهای علمی انجام شود تا آسیب‌دیدگی وارد شده به تپه‌ی گیان به حداقل ممکن برسد. همچنین در صورت افتتاح موزه در کنار تپه و قرار گرفتن آن در میان بافت مسکونی، ضمن کمک به اقتصاد و رونق گردشگری در گیان، بهتر می‌توان از این تپه حفاظت و پاسداری کرد.

بحث در مورد تپه‌ی گیان و آثار و اشیای مکشوفه‌ی از آن بسیار مفصل است. امید است باستان‌شناسان و پژوهشگران در آینده، نه با کاوش بلکه با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای

و آزمایشگاهی و... ، بتوانند زوایای تاریک تمدن‌های گذشته در گیان را روشن کنند و از مردم فهیم گیان، به خصوص از جوانان تحصیل کرده و فرهنگ دوست، انتظار می‌رود نسبت به حفظ این تل باستانی، که حضورش در گیان افتخاری بزرگ است، تعصب و علاقه‌مندی بیشتری از خود نشان دهند.



زیورآلات زرین عصر آهن (خوروین، حسنلو و تپه‌ی گیان نهاوند).

منابع و مأخذ

۱. ایراندوست، محمود، حفاری در تپه‌ی گیان، فرهنگان ۳، مؤسسه‌ی علیمرادیان، بهار ۱۳۷۹
۲. توحیدی، فائق، فن و هنر سفالگری، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹
۳. توحیدی، فائق، مبانی هنرهای فلزکاری، نگارگری، سفالگری، یافته‌ها و منسوجات، معماری خط و کتابت، سمیرا، چاپ اول ۱۳۸۶
۴. طلایی، حسن، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول قبل از میلاد، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴
۵. طلایی، حسن، عصر آهن، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۶. علیزاده، عباس، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰
۷. ملک شهمیرزادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۸